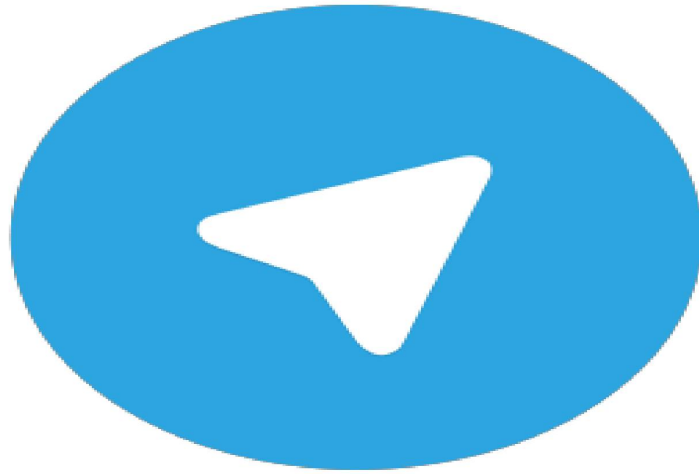


به کانال موسسه علمی سیمرغ پارس در تلگرام پیوندید

دانلود خلاصه های مفید

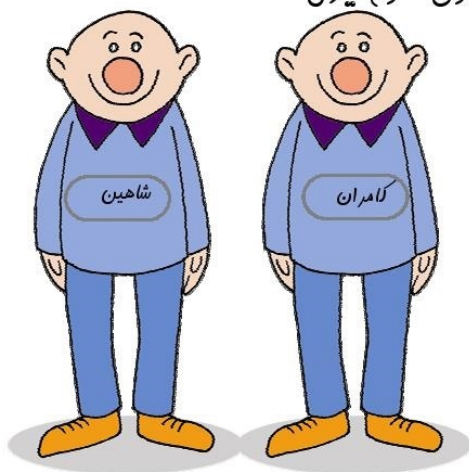
نکات مشاوره ای

بخش ویژه (معما باجایزه-مصاحبه با نفرات برتر و طرح سوالات شما-معرفی رشته های
دانشگاهی و دانشگاه های کشور-هر شب با یک سوال ریاضی)



جناس تام

«تفاوت توی معنی ولی ظاهر یکسان / اسمش جناس تام توی تموم ایران»



❓ کلید ظاهر واژگان یکسان و معانی آن‌ها متفاوت

🔍 نکته ۱) مطمئن شوید معانی متفاوت را یافته‌اید، صرفاً به ظاهر یکسان اکتفا نکنید.

«وفا را زاد مادر چون مرا زاد / جفا را زاد مادر چون تو را زاد» «جناس تام ندارد.»

۲) «جناس تام» اگر در آخر دو مصراع به کار رود قافییه‌ی آن شعر است نه ردیف. (زیرا ردیف هم ظاهر یکسان دارد و هم معنی یکسان درحالی‌که جناس تام تنها با ظاهر برابر می‌آید.)

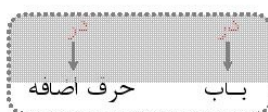
«هر کس که نهد پای بر آن خاک سر کو (کوچه) ذکرش همه این است که گم گشته دلم کو (کجاست)؟»
 رَدیف قافیه ✓

نمونه‌ها

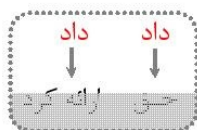
- | | |
|--|--------------------------------------|
| ۱) امشب نیامدی و ز چشمم رمید خواب | این در، در انتظار تو، تا صبح باز بود |
| ۲) تنها به دیده‌ای، نتوان داد گریه داد | باید چو ابر از همه اعضا گریستن |
| ۳) دیده‌ام زلف پریشان تو در دست رقیب | بی سبب نیست که شب خواب پریشان بینم |
| ۴) زان ابروان زیبا، برچین به ناز، چین را | بگذار تا ببینم آن چشم نازنین را |
| ۵) هر خم از جعد پریشان تو، زندان دلی است | تا نگویی که اسیران کمند تو، کمند |

حل نمونه‌ها

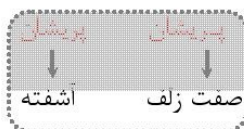
۱) امشب نیامدی و ز چشمم رمید خواب این **در**، **در** انتظار تو، تا صبح باز بود



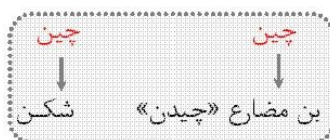
۲) تنها به دیده‌ای، نتوان **داد** گریه **داد** باید چو ابر از همه اعضا گریستن



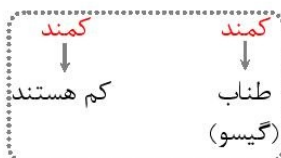
۳) دیده‌ام زلف **پریشان** تو در دست رقیب بی سبب نیست که شب خواب **پریشان** بینم



۴) زان ابروان زیبا، بر **چین** به ناز، **چین** را بگذار تا بینم آن چشم نازنین را



۵) هر خم از جعد **پریشان** تو، زندان دلی است تا نگویی که اسیران **کمند** تو، **کمند**

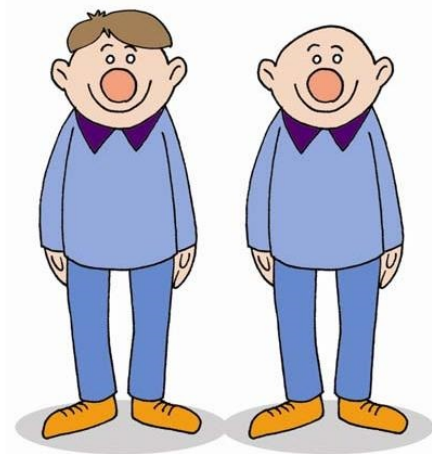


جناس ناقص

«تفاوت تو حرکت و یا به حرف خالص / می‌سازه توی شعرا واست جناس ناقص»

؟ کلید خودکار عمودی (هر وقت دو تا لغتو زیر هم نوشتی، بعدش خودکارتو عمودی روی یکی از حروف گذاشتی و بقیه‌ی حروفش یکی بودن، جناس ناقص پیدااش کردی)

بود بود بود بود بود بود بود بود بود بود
 بود بود بود بود بود بود بود بود بود
 بود بود بود بود بود بود بود بود بود
 بود بود بود بود بود بود بود بود بود
 بود بود بود بود بود بود بود بود بود
 بود بود بود بود بود بود بود بود بود



نکته تک‌واژه‌های وابسته‌ای که همراه واژگان شده‌اند تأثیری در جناس ناقص بودن آن‌ها ندارند.

«دیدي آن ترک ختا غارت دین بود مرا گر چه عمری به خطا دوست خطابیش کردم»
 بی تأثیر جناس ناقص

نمونه‌ها

- ۱) نوبهار است بر آن کوش که خوشدل باشی
- ۲) اگر قدم نهد آن سرو ناز بر سر من
- ۳) از نگاهش دارم امید وصالی ز آنکه گاه
- ۴) قامتی دیدم که می‌گوید گه برخاستن
- ۵) دنیا عمل است و هر که او بیش خورد
- ۶) که بسی گل بلمد باز و تو در گل باشی
- ۷) سر من و قدم سرو ناز پرور من
- ۸) می‌رود صیاد از پی، صید پیکان خورده را
- ۹) کو قیامت تا تماشای قیام من کند؟
- ۱۰) خون افزایشد، تب آورد، نیش خورد

حل نمونه‌ها

۱) نوبهار است بر آن کوش که خوشدل باشی که بسی گل بدهد باز و تو در گل باشی

گِل
گِل

۲) اگر قدم نهد آن سرو ناز بر سر من سر من و قدم سرو ناز پرور من

سرو
سرو

۳) از نگاهش دارم امید وصالی ز آنکه گاه می رود صیّاد از پی، صید پیکان خورده را

نگاه
گاه

۴) قامتی دیدم که می گوید گه برخاستن کو قیامت تا تماشای قیام من کند؟

قیام
قیامت

قامت
قیامت

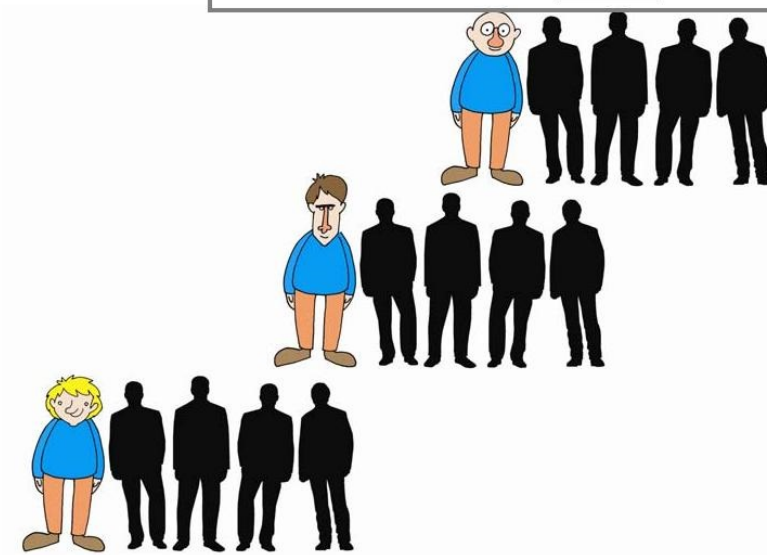
۵) دنیا عسل است و هر که او بیش خورد خون افزایشد، تب آورد، نیش خورد

بیش
نیش

سجع

«دو واژه‌ی ته جمله که شکلش هماهنگه / اسمش **سجع** توی نثر، بیین چقدر قشنگه».

؟! کلید کلمات هم‌قافیه، در آخر جملات نثر (سجع در نثر همان قافیه در شعر)



نکته افعال یا عباراتی به شکل ردیف می‌توانند در آخر آن بیایند. گاهی یکی از طرفین به قرینه‌ی لفظی حذف می‌شود و این موضوع تأثیری در سجع ندارد.

«دختری پرخواسته بود و جمله به گل آراسته [بسیود]»

نمونه‌ها

(۱) دیده در ظلمت شب، هر چند در خفا است، اما امید روشنی صبح در قفا است.

(۲) الهی، فرمایی که بجوی و می‌ترسانی که بگریز، می‌نمایی که بخواه و می‌گویی که بپرهیز

(۳) تابا تو آشنا شدم، از خلاق جدا شدم، نهان بودم و پیدا شدم

(۴) الهی، بایسته‌ی تو، پیش از طاعت، مغفور و نابایسته‌ی تو پیش از معصیت مهجور است.

(۵) آنچه منصور حلاج گفت، من نیز گفتم، او آشکارا گفت، من نهفتم

حل نمونه‌ها

۱) دیده در ظلمت شب، هر چند در **خفا** است، اما امید روشنی صبح در **قفا** است.

۲) الهی، فرمایی که بجوی و می ترسانی که **بگریز**، می‌نمایی که بخواه و می‌گویی که **پرهیز**

۳) تا با تو **آشنا** شدم، از خلاق **جدا** شدم، نهان بودم و **پیدا** شدم

۴) الهی، بایسته‌ی تو، پیش از طاعت، **مغفور** و نابایسته‌ی تو پیش از معصیت **مهجور** است.

← است بعد از «مغفور» به قرینه‌ی لفظی حذف شده است و گفتیم که این موضوع تأثیری در ایجاد سجع ندارد.

۵) آنچه منصور **حلاج** گفت، من نیز **گفتم**، او آشکارا گفت، من **نهفتم**

واج آرایه، نغمه‌ی حروف

«به په پایا په پویت، بدو پیا پایایی / دیدی تکرار «پ، رو، حلا شد واج آرایه»

؟ نکته ذکر بیش از ۲ بار واج یا واج‌هایی نزدیک به هم و تأثیر گذار



نکته گاهی واج انتخاب شده با موضوع و مفهوم بیت در ارتباط است:

«خیزید و خز آرید که هنگام خزان است باد خنک از جانب خوارزم وزان است»

«خ و ز» تداعی کننده‌ی صدای «خز خز» خرد شدن برگ‌های پاییزی

«خروش از خم چرخ چاچی بخواست»

«خ و چ» تأکید بر خشونت

نمونه‌ها

- | | |
|---|---|
| ۱) ناله‌ی تیشه به گوش دل شیرین می‌گفت | که گذر بر سر فرهاد نکردی و گذشت |
| ۲) نمی‌گردید اگر ذوق گرفتاری عنان گیرم | ز وحشت خون عالم در دل صیاد می‌کردم |
| ۳) چو دید لاله‌ی روی تو، باغبان از شرم | هر آنچه گل به چمن بود، چید و دور انداخت |
| ۴) جز آن که گیرد جای من، جز من که گیرد جای دل | گر دل بمیرد وای من گر من بمیرم وای دل |
| ۵) ناله راهر چندم، خواهم که پنهانی کنم | سینه می‌گوید که من تنگ آمدم فریاد کن |

حل نمونه‌ها

۱) ناله‌ی تیشه به گوش دل شیرین می‌گفت که گذر بر سر فرهاد نکردی و گذشت

واج ش

۲) نمی‌گردید اگر ذوق گرفتاری عنان گیرم ز وحشت خون عالم در دل صیاد می‌کردم

واج گ

۳) چو دید لاله‌ی روی تو باغبان، از شرم هر آنچه گل به چمن بود، چید و دور انداخت

واج چ

۴) جز دل که گیرد جای من، جز من که گیرد جای دل گر دل بمیرد وای من گر من بمیرم وای دل

واج ج

۵) ناله راهر چند می‌خواهم که پنهانی کنم سینه می‌گویند که من تنگ آمدم فریاد کن

واج ن

اغراق (مبالغه)

«اگر دیدی تو شعرا، دروغی تو پول و چاق / «مگه میشه» پپرسو، پپش پگو تو اغراق»

؟! کلید «مگه میشه + عبارت جواب نه ← اغراق»



نکته از آن جا که هر اغراقی منظوری دیگر در پس خود دارد، همه‌ی آن‌ها به نوعی «کنایه» نیز هستند و این دو ناقض یکدیگر نخواهند بود.

نمونه‌ها

- | | |
|---|--|
| گر سحر بوی خوشت جانب گلزار آرند | ۱) بلبل از شاخ گل افتد به زمین از مستی |
| جهان ماتم سرا گردد اگر من از نوا افتم | ۲) به ذوق ناله‌ی من، آسمان مستانه می‌رقصد |
| که از ستاره فزون است اگر شماره کنی | ۳) به دانه دانه‌ی اشکم نگاه کن ای ماه! |
| از ره دشمن به مژگان خاک بر می‌داشتم | ۴) تهمت عجز است سدّ راه «صائب» ورنه من |
| چو از عکس رُخش عالم پر از مهتاب می‌دیدم | ۵) چه حاجت بود شمع افروختن در بزم او یارب! |

حل نمونه‌ها

۱) بلبل از شاخ گل افتد به زمین از مستی گر سحر بوی خوشت جانب گلزار آرند

- مگه میشه بوی خوش یار بلبلی را مست کند و از پا درآورد؟ نه

۲) به ذوق ناله‌ی من، آسمان مستانه می‌رقصد جهان ماتم سرا گردد اگر من از نوا افتم

- مگه می‌شه با صدای من آسمان برقصند و با سکونم چهرن در عزا فرو برود؟ نه

۳) به دانه دانه‌ی اشکم نگاه کن ای ماه! که از ستاره فزون است اگر شماره کنی

- مگه می‌شه اشک‌های من از ستارگان آسمان بیش‌تر بشود؟ نه

۴) تهمت عجز است سدّ راه «صائب» ورنه من از ره دشمن به مژگان خاک بر می‌داشتم

- مگه می‌شه با مژگلم، خاک از سر راه کسی بردارم؟ نه

۵) چه حاجت بود شمع افروختن در بزم او یارب! چو از عکس رُخش عالم پر از مهتاب می‌دیدم

- مگه می‌شه انعکاس چهره‌ی یارم جهان را پر نور کند؟ نه